

Study of the verb type in the poetic group (If I had a thousand pens) by the poet Jaleh Esfahani

Mustafa Ali Obaid

must198333@gmail.com

Assistant Professor Aqeel Abdul Hussein Muhammad, PHD

aqeel.a@colang.uobaghdad.edu.iq

University of Bagdad- College of Languages- Department of the
Persian Language

DOI: <https://doi.org/10.31973/aj.v3i141.3748>

Abstract:

Since "verb" is one of the most important grammatical categories and the center of gravity of the sentence, it was studied in this research based on the grammatical-stylistic analysis of verbs. Then applying this to selected poems of the poet "Jaleh Esfahani". This has been done according to the descriptive-analytical approach, and here, we shall point out the most important results that we have reached, which are:

In terms of the "Pronoun", we note the frequent usage of the "third person pronoun a lot" due to the expressive style used by "Jaleh Esfahani" in describing the past world and criticizing the state of her contemporary world. There is a close relationship between the poet and the subject of the poem. Also, we notice the frequent repetition of the predicate verb, and this indicates the poet's close connection to the event, and that most of the topics mentioned are nothing but personal experiences.

Keywords: The poems of Jaleh Esfahani, Grammatical analysis of the verb, verb type, "If I had a thousand pens".

بررسی نوع فعل در مجموعه شعری: «اگر هزار قلم داشتم» ژاله اصفهانی

استادیار دکتر:

پژوهشگر:

عقيل عبدالحسين محمد المالكى

مصطفى على عبید القيسى

دانشگاه بغداد - دانشکده زبان-

دانشگاه بغداد - دانشکده زبان-

ها- گروه زبان و ادبیات فارسی

ها- گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده :

از آنجا که فعل مهمترین مقولات دستوری و مرکز ثقل جمله است. در این پژوهش براساس تحلیل دستوری- سبکی افعال مورد بحث قرار گرفت و این در مورد قصاید منتخب از اشعار ژاله اصفهانی اعمال شد، جایی که بر طبق روش توصیفی- تحلیلی بود و اکنون قصد داریم مهمترین نتایجی را که بدست آورده‌ایم بیان کنیم:

از نظر شخص، فراوانی استفاده از فعل سوم شخص مفرد تا حد زیادی به دلیل سبک بیانی است که ژاله در توصیف جهان گذشته و انتقاد از دنیای معاصر خود به کار برده است. در مورد زمان، تکرار بسامد زمان حال اخباری بیانگر رابطه مستقیم شاعر با موضوع شعر است. همچنین اشاره شده است که تکرار وجه فعل اخباری افزایش یافته است و این نشان دهنده ارتباط نزدیک شاعر با واقعه است و بیشتر مباحث که ذکر شده حاصل تجربیات شخصی است.

کلید واژه‌ها: قصاید ژاله اصفهانی، تحلیل نحوی فعل، نوع فعل، «اگر هزار قلم داشتم».

پیشگفتار :

فعل، اساسی‌ترین مقولۀ در واژگان زبان است، زیرا از یک طرف، می‌توان آن را به عنوان مهم‌ترین رکن جمله دانست، که معنای جمله اصلی و عناصر صرفی اساسی را مانند مطابقت به لحاظ زمان، شخص، عدد و غیره در بردارد، از طرف دیگر، فرم ساختار موضوعی را از بسیاری از عناصر اساسی جمله است. (رک: جهرمی و حق-شناس، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۴)

عناصری را که در ساخت فعل در زبان فارسی به کار رفته می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد:

- **جزء ثابت:** به معنی ریشه فعلی است که در تمامی فرمول‌ها و فرم‌های فعلی، مشاهده می‌شود.

- **اجزاء متغیر:** علاوه بر ریشه فعلی، در ساختمان فعل از اجزاء دیگری بهره‌گیری می‌شود، که با توجه به موقعیت آنها می‌توان انتخاب کرد. به عنوان مثال، از نظر زمان سه گزینه (ماضی، حال و آینده)، اما در مورد مطابقت عناصر به لحاظ شخص، سه امکان (اول شخص، دوم شخص و سوم شخص) وجود دارد.

به نظر ساختمان افعال را می‌توان به دو قسمت اساسی تقسیم کرد:

● **افعال ساده:** آنست که در ساخت آن فقط جزء فعلی بهره‌مند شود.

● **افعال مرکب:** آنست که در ساخت آن علاوه بر جزء فعلی حد اقل یک جزء غیر فعلی که نیز استفاده شده است. (همانجا)

بر این اساس، فعل برای چندین نوع طبقه بندی شده است، از نظر زمان، به (گذشته، حال و آینده) تقسیم می‌شود، اگر گذشته باشد، به (مطلق، استمراری، التزامی، نقلی، دور، دورتر) و اگر حال باشد، به (اخباری، التزامی، استمراری یا ملموس) منشعب می‌شود. و سپس به چندم شخص، و آنگاه مفرد یا جمع معین می‌شود.

اما از جهت ساختمان به شش گروه می توان تقسیم کرد: (فعل های ساده- فعل های پیشوندی- فعل های مرکب- فعل های پیشوندی مرکب- عبارت فعلی- فعل های نا گذر یک شخصه). و در مورد کاربرد افعال، فعل به کار رفته در ساخت جمله فارسی اشکال مختلفی دارد، که به آن ها «وجوه افعال» گفته می شود، افعال در دستور زبان فارسی هفت وجه دارند (وجه اخباری- وجه التزامی- وجه شرطی- وجه امری- وجه وصفی- وجه مصدری- وجه استقهامی)، که در مورد جنبه از آن ها با جزئیات و دقت صحبت کرده ایم. آنگاه آن را از نظر «گذرا و ناگذر» و «معلوم و مجهول» بررسی کردیم.

و همچنین این افعال از نظر معنی به معنای حقیقی و مجازی دسته بندی می شود. و منصور ما این است که، ((در حقیقت، معناشناسی، در تقسیم بندی معنایی، برای هر موضوع دو معنا قائل است: معنای ابتدایی و معنای ثانوی. معنای ابتدایی، راه را برای عبور به معنای ثانوی همواره می کند؛ بنابراین، چنین معنایی، پایه و اساس معنای ثانوی محسوب می شود. مطالعات معناشناختی به بررسی همین معنای محدود می شود، و بررسی معنای ثانوی در حیطه های علوم انسانی دیگر مانند: پدیده شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی، تاریخ و قوم شناسی است)). (شعیری، ۱۳۹۱: ۹۳)

معنای ثانوی را می توان به معنای دایره المعارفی تشبیه کرد. دانشمند، برای پی بردن به چنین معنایی به کلیه دانسته های طبقه بندی شده خود رجوع می کند. شاید، به همین سبب است که معنای ثانوی، معنای عمیق و غنی خوانده می شود. معنای ابتدایی، معنایی است که در دسترس همگان قرار دارد؛ به دیگر سخن، کمترین درک ممکن از موضوع، همان معنای ابتدایی است. نه معنای ابتدایی و نه معنای ثانوی، هیچ یک معنای کامل و مطلق موضوع نیستند. معنای ثانوی در پرداخت به موضوع از عمق بیشتری برخوردار است. این دو معنا در تضاد با یکدیگر نیستند و یکدیگر را نفی نمی کنند، بلکه یکی راه را برای دیگری هموار تر می سازد. (همانجا)

به این ترتیب، ما افعال موجود در اشعار شاعر ایرانی "ژاله اصفهانی" در مجموعه شعری وی را در این فصل به صورت عملی و کاربردی تعیین و مطالعه و بررسی خواهیم کرد. تا بتوانید انواع افعال به کار رفته در سیستم های این اشعار را بشناسید.

زندگی و آثار ژاله اصفهانی

((ژاله اصفهانی در سال ۱۳۰۰ در خانه ای بزرگ و قدیمی در اصفهان متولد شد. پدر و مادر بر سر انتخاب نامش با هم اختلاف نظر داشتند. سر انجام پدر نام «اطل» را در شناسنامه او به ثبت رساند.)) (سلطانی، ۱۳۹۱: ۴۵)

((تحصیلات متوسطه را در زادگاهش به پایان برد. سپس به تهران آمد و در دانشگاه تهران زبان و ادبیات فارسی را درس خواند. کارمند بانک ملی ایران شد. ابتدا در اصفهان ، سپس در تهران . همسرش، شمس الدین بدیع افسر نیروی هوایی (سپس محقق و مترجم در زمینه‌ی علوم اقتصادی و اجتماعی و ادبی) بود. پس از غائله آذربایجان (شکست فرقه‌ی دموکرات و سید جعفر پیشه‌وری) همراه همسرش به اتحاد شوروی سابق گریختند.)) (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۸)

((بعد از اقامت در آن کشور ژاله در دانشگاه آذربایجان ثبت نام می‌کند و به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته ادبیات نایل می‌شود. چندی پس از آن به مسکو و در آنجا به فراگیری زبان روسی می‌پردازد و در نهایت پس از جنگ روسیه مرحله‌ی دکتری خود را به پایان می‌رساند. در طی وقوع انقلاب ژاله و همسرش دوباره به ایران باز می‌گردند، اما شرایط موجود و دوری از فرزندانش او را آزار می‌داد؛ از این رو در سال ۱۳۶۱ ایران را به مقصد انگلستان ترک کرد.)) (سپاس، ۱۳۹۴: ۲۲۰) رساله‌ها و مقاله‌هایی را در موضوع ادبیات مشروطه و معاصر، از جمله در باره‌ی زندگی و آثار عارف قزوینی، ملک الشعرا بهار و نیما یوشیج نوشت. به ترجمه‌ی آثار ادبی هم توجه نشان داد از جمله نغمه‌های ایرانی، سروده‌ی سرگیی یسه‌نین، شاعر نامور روس. (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۸)

اولین کسی که او را ژاله اصفهانی صدا کرد ملک‌الشعرا بهار بود. ((ملک‌الشعرا که ریاست کنگره را بر عهده گرفته بود، وقتی خواست از شاعر دعوت کند برای شعر خوانی، هم اسم از یادش رفت و هم نام فامیلش که سلطانی بود. پس همان تخلص روی جلد کتاب را خواند، ژاله؛ و چون لهجه شیرین اصفهانی او را چند دقیقه پیش شنیده بود، به آن افزود "اصفهانی"، این صحنه چنان برای او مهم بود که همه‌ی عمر نام ژاله اصفهانی بر خود نهاد.)) (بهنودی، ۱۳۸۶: ۶۰۰)

ژاله اصفهانی شعر گفتن را از نوجوانی آغاز کرد به قصیده و غزل پرداخت. در دهه- ۱۳۲۰ به شعر نوکلاسیک و نو روی آورد. پس از مهاجرت نیز، نشر سروده‌هایش ادامه یافت. دفترها و منتخب‌های اشعار وی از این قرار است:

گل‌های خودرو (تهران، ۱۳۲۴)، زنده‌رود (مسکو، ۱۳۴۴/۱۹۸۱)، اگر هزار قلم داشتم (تهران، ۱۳۶۰)، البرز بی‌شکست (لندن، ۱۳۴۲) ای باد شَرطه (لندن ۱۳۶۵)، خروش خاموش (استکهلم، ۱۳۷۲)، سرود جنگل (لندن، ۱۳۷۴)، تَرَنَم پرواز (لندن، ۱۳۷۵)، موج در موج (تهران، ۱۳۷۶). ژاله اصفهانی اندکی فراتر از سی سال را در اتحاد شوروی پیشین زیست. سال ۱۳۵۹ به ایران آمد. مدت کوتاهی در به سر برد.

سپس به انگلیس رفت . اکنون سال‌هاست که در این کشور زندگی می‌کند . همراه همسر و فرزندان . (عابدی، ۱۳۴۷: ۳۹)

بیماری همسر ژاله به مدت طولانی و فوت او، ضربه سختی بر روح و جسم ژاله وارد کرد، اما چندی نپایید که ژاله خود نیز، به بیماری جانکاه سرطان مبتلا شد. سرانجام در ۲۷ نوامبر (۲۰۰۷م)، در سن (۸۶) سالگی در لندن در گذشت. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۵۰)

«فعل ساده»

((فعل ساده آن است که تنها در ساختمان آن بن فعل (ماضی/مضارع) به کار رفته باشد. معمولاً بن فعل همراه با شناسه به کار می‌رود)). (وفایی، ۱۳۹۱: ۴۱)

مانند: خواندم، می‌خوانم، آوردید، می‌آورم .

● نکته: گاهی با فعل ساده، تکواژهای تصریفی (می، م، ن، ب) و یا فعل معین (بود، باشم، خواهم ...) همراه است؛ اینها بر غیر ساده بودن دلالت نمی‌کنند، مانند: رفته باشند، نرفت، می‌گویند، که همگی ساده‌اند .

در مطالب بعدی به تجزیه و تحلیل این افعال موجود در اشعار شاعر "اصفهانی" خواهیم پرداخت. و آن از نظر (زمان، شخص و عدد، گذر، معلوم و مجهول، نمود، مثبت یا منفی و معنی) خواهد بود. تا بتوانیم موضوع را بهتر بشناسیم، و صورت را برای ما روشن کند.

● **بر کتیبه بزرگ زندگی نوشته‌اند.** (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

- نوع این فعل «نوشته‌اند» در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل ساده، (صفت مفعولی + شناسه)
 - از نظر زمان: گذشته نقلی
 - از نظر شخص و عدد: سوم شخص جمع
 - از نظر گذر: گذرا به متمم
 - از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته (شناسه «اند»)
 - از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
 - از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
 - از نظر معنی: معنی مجازی.

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
نوشته‌اند	فعل ساده	ماضی نقلی	سوم شخص جمع	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت حقیقی

● **دیده‌ای که دید نور را با سیاهی آشتی نمی‌کند.** (همانجا)

نوع این فعل (دیده‌ای) به شرح زیر است :-

- از نظر ساختمان: فعل ساده، (صفت مفعولی+ شناسه)
- از نظر زمان: گذشتۀ نقلی
- از نظر شخص و عدد: دوم شخص مفرد
- از نظر گذر: ناگذر
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته (شناسۀ «ای»)
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
دیده‌ای	ساده	ماضی نقلی	دوم شخص مفرد	ناگذر	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

● اگر هزار قلم داشتیم. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۹)

- نوع این فعل (داشتیم) در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل ساده، (عنصر اصلی+ شناسه)
- از نظر زمان: گذشتۀ مطلق
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به مسند
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته (شناسۀ «م»)
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
داشتیم	ساده	ماضی مطلق	اول شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

● هزار خامه که هر روز هزار معجزه داشت. (همانجا)

- در زیر نوع این فعل (داشت) را توضیح می‌دهیم :-
- از نظر ساختمان: فعل ساده، (عنصر اصلی+ شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشتۀ مطلق
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به مسند
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته (شناسۀ «Ø»)

- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
داشت	ساده	ماضی مطلق	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

● هزار مرتبه هر روز می‌نوشتیم. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۹)

- نوع این فعل (می‌نوشتیم) در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل ساده، (بیشوند صرفی+عنصر اصلی+ شناسه)
- از نظر زمان: گذشته استمراری
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به مسند
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته (شناسه «م»)
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
داشت تم	ساده	ماضی استمراری	اول شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

- چه عاشقانه به دیدار آفتاب شتافت

که بشکفد سحر سرخ فام آزادی (همان منبع قبلی: ۱۰)

- نوع این فعل (بشکفد) به شرح زیر است :-
- از نظر ساختمان: فعل ساده، (بیشوند صرفی+عنصر اصلی+ شناسه)
- از نظر زمان: حال التزامی
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به مسند
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: (آفتاب) + ضمیر پیوسته (شناسه «د»)
- از نظر وجه یا نمود: وجه التزامی
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
بشک و فد	ساده	حال التزامی	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	مجازی مثبت	مجازی

از این مقدار از افعال ساده بسنده می‌کنیم، در مبحث دوم ما به «افعال پیشوندی» خواهیم پرداخت، و آن‌ها را به همین ترتیب بررسی افعال در این مبحث بررسی و تحلیل می‌کنیم.

«فعل پیشوندی»

آقای مشکوة‌الدینی در کتابش می‌گوید ((فعل پیشونددار به صورت یک پیشوند غیر فعلی، و یک پایه فعلی ظاهر می‌گردد، مانند نمونه‌های: برمی‌گردد، پس می‌گیرند، در رفت.)) (مشکوة‌الدینی، ۱۳۴۴: ۱۳۸)

به سخن دیگر، ((فعل پیشوندی آنست که از افزودن یکی از پیشوندهای «اندر، به، بر، در، باز، وا، فرا، فراز، فرو، فرود» بر اول فعل ساده ساخته می‌شود و در بیشتر موارد بر معنی تازه‌ای دلالت می‌کند.)) (رهبر، ۱۳۸۱: ۲۳۸-۲۳۹)

مانند: به + رسید: برسید بمعنی تمام شد.

معمولاً این پیشوندها معنی فعل ساده تغییر می‌دهند، مانند:

بر نشست ← سوار شد.

وا داشت ← مجبور کرد.

در رفت ← فرار کرد.

- نکته: ((در دوره‌های نخستین زبان فارسی به ویژه دوره تکوین، فعل‌های پیشوندی بیشتر از امروز به کار برده می‌شدند.)) (وفایی، ۱۳۹۱: ۴۱)

در مطالب بعدی، مجموعه افعال پیشوندی موجود در مجموعه شعر مورد بحث را مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد، تا موضوع را برای ما بهتر روشن کند.

● هزار سال دگر گر ز خاک برخیزم . (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۰)

نوع این فعل «برخیزم» در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+شناسه)

- از نظر زمان: مضارع التزامی

- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد

- از نظر گذر: گذرا به متمم

- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد ضمیر متصل (شناسه «م»)

- از نظر وجه یا نمود: وجه التزامی

- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت

- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
برخیزم	فعل	حال	اول شخص مفرد	گذرا	معلوم	التزامی	مثبت	حقیقی

● **برافکن ظلمت این تنگا را.** (همان منبع قبلی: ۱۶)

نوع این فعل (برافکن) در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+ شناسه Ø)

- از نظر زمان: فعل امر

- از نظر شخص و عدد: دوم شخص مفرد

- از نظر گذر: گذرا به مفعول

- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد ضمیر متصل (شناسه «Ø»)

- از نظر وجه یا نمود: وجه التزامی

- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت

- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
برافکن	پیشوندی	فعل امر	دوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	التزامی	مثبت	حقیقی

● **تو ای باران خشم و کین، فروریز.** (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۶)

نوع این فعل (فروریز) در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+ شناسه Ø)

- از نظر زمان: فعل امر

- از نظر شخص و عدد: دوم شخص مفرد

- از نظر گذر: ناگذر

- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: (باران)

- از نظر وجه یا نمود: وجه التزامی

- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت

- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
فروریز	پیشوندی	فعل امر	دوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	التزامی	مثبت	حقیقی

● تا برآرند ز دریای شبانگه شط نور. (همان منبع قبلی: ۲۳)

- نوع این فعل (برآرند) در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+ شناسه)
- از نظر زمان: حال التزامی
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص جمع
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: ضمیر پیوسته «ند»
- از نظر وجه یا نمود: وجه التزامی
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
برآرند	پیشوندی	فعل امر	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	التزامی	مثبت	حقیقی

● که سوی لانۀ خود شادمانه برگردیم. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۲۸)

- در زیر نوع این فعل (برگردیم) را توضیح می‌دهیم :-
- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+ شناسه)
- از نظر زمان: گذشته مطلق
- از نظر شخص و عدد: اول شخص جمع
- از نظر گذر: گذرا به مسند
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «بیم»
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
برگردیم	پیشوندی	ماضی مطلق	اول شخص جمع	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

● رهروی در شب تاریک بر افروخت چراغ. (همان منبع قبلی: ۳۸)

- در زیر نوع این فعل (بر افروخت) را توضیح می‌دهیم :-
- از نظر ساختمان: فعل پیشوندی، (پیشوند فعلی+عناصر اصلی+ شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشته مطلق

- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: (رهروی) شناسه « Ø »
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و وجه/نمود مثبت/منفی معنی مجهول	معنی
بر پیشوندی افروخت	ماضی مطلق	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت حقیقی

از این تعداد فعل‌های پیشوندی که در اشعار شاعر "اصفهانی" ذکر شده است بسنده می‌کنیم. در مبحث بعدی به افعال مرکب می‌پردازیم و آن‌ها را به همان روشی که افعال در تحقیقات قبلی تحلیل شده‌اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

«فعل مرکب»

خانلری درباره فعل مرکب می‌گوید: ((از ترکیب یک اسم یا صفت با یک فعل بدید آمده‌اند؛ اما از مجموع کلمات آن تنها یک معنی بر می‌آید)). (خانلری، ۱۳۵۲: ۱۷۷)مانند:

شتاب + کردن = شتافتن
 گزین + کردن = گزیدن
 پرسش + کردن = پرسیدن
 رنجه + داشتن = آزریدن ...
 این‌گونه فعلها مرکب می‌خوانیم.

در مطالب زیر، مجموعه افعال مرکب موجود در مجموعه شعری "اگر هزار قلم داشتم" را مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد.

● یک شهاب از شبان جدا شده . (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

نوع این فعل (جدا شده) در این قرار است:

- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری+همکرد+عنصر مفعولی+ شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشته نقلی
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: مجهول
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت

- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
جدا شده	فعل مرکب	ماضی نقلی	سوم شخص مفرد	مجهول گذرا	مجهول اخباری	مثبت حقیقی

● با سپیده آشنا شده ... (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸)

در زیر نوع این فعل (آشنا شده) را توضیح می‌دهیم :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری+همکرد+عنصر مفعولی+ شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشتۀ نقلی
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: مجهول
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
آشنا شده	فعل مرکب	ماضی نقلی	سوم شخص مفرد	مجهول گذرا	مجهول اخباری	مثبت حقیقی

● به کوی برده فروشان روانه می‌گشتم. (همان منبع قبلی: ۹)

نوع این فعل (روانه می‌گشتم) به شرح زیر است :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری+پیشوند صرفی+همکرد++ شناسه)
- از نظر زمان: گذشتۀ استمراری
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسۀ «م»
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
روانه می‌گشتم	فعل مرکب	ماضی استمراری	اول شخص مفرد	مجهول گذرا	مجهول اخباری	مثبت حقیقی

● به کوی برده فروشان روانه می‌گشتم. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۹)

- نوع این فعل (روانه می‌گشتم) در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری + پیشوند صرفی + همکرد + شناسه)
- از نظر زمان: مضارع اخباری
- از نظر شخص و عدد: اول شخص جمع
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «م»
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی حقیقی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
روانه می-گشتم	فعل مرکب	حال اخباری	سوم شخص جمع	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	حقیقی

● زیک ستاره به سوی ستاره دیگر

چو می‌روند به دیدار هم به مهمانی. (همان منبع قبلی: ۱۰)

- در زیر نوع این فعل (چو می‌روند) را توضیح دهیم :-
- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری + پیشوند صرفی + همکرد + شناسه)
- از نظر زمان: مضارع اخباری
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص جمع
- از نظر گذر: گذرا به متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «ند»
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
چو می-روند	فعل مرکب	ماضی استمراری	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	مجازی

● اشک کبود سبزه شد و روی خاک ریخت. (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۲)

- نوع این فعل (سبزه شد) به شرح زیر است :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری+عنصر مفعولی+همکرد+شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشتۀ مطلق
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد
- از نظر گذر: ناگذر
- از نظر معلوم و مجهول: مجهول
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
سبزه شد	فعل مرکب	ماضی مطلق	سوم شخص مفرد	ناگذر	مجهول	اخباری	مثبت	مجازی

• بلبل زرین

ترا در آشیان عشق پیدا می‌کنم من. (همان منبع قبلی: ۱۳)

نوع این فعل (پیدا می‌کنم) در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب، (فعلیاری+پیشوند صرفی+همکرد++ شناسه)
- از نظر زمان: مضارع اخباری
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد
- از نظر گذر: گذرا به مفعول و متمم
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «م»
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
پیدا می‌کنم	فعل مرکب	حال اخباری	اول شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	مجازی

از این مقدار فعل‌های مرکب که در مجموعه شعری "اگر هزار قلم داشتم" ذکر شده است بسنده می‌کنیم. در بخش بعدی به «عبارت فعلی ویا فعل گروهی» می‌پردازیم، و آن‌ها را به همان روشی که افعال در مباحث قبلی تحلیل شده اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

«عبارت فعلی»

آقایان انوری و گیوی عبارت فعلی را در کتاب خود (دستور زبان فارسی ۲) این چنین تعریف می‌کنند: ((عبارت فعلی، به دسته‌ای از کلمات اطلاق می‌شود، که از مجموع آن‌ها معنی فعل واحدی حاصل می‌شود، و غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب.)) (انوری و گیوی، ۱۳۹۰: ۳۱)

حرف اضافه + اسم یا صفت + فعل = عبارت فعلی

عبارت‌های فعلی بیش از دو کلمه هستند، که نخستین کلمه‌ی ترکیب حرف اضافه است، و مجموع عبارت نیز معمولاً معنی مجازی دارد، مانند: (از پای درآمدن) = (از + پای + در + آمدن) که یکی از آن‌ها حرف اضافه است (از) و در مجموع آن‌ها نه معنی «پای» منظور است نه معنی «آمدن» یا «درآمدن» و مجموع این چهار کلمه یک معنی مجازی دارد، که معادل «افتادن» و چون:

بر پا کردن، به کار گرفتن، از چشم افتادن، از سر گرفتن، به سر بردن، به پایان آمدن ... (همانجا)

در مطالب بعدی، مجموعه عبارت‌های فعلی یا فعل گروهی موجود در اشعار شاعر " ژاله اصفهانی" را بررسی، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد.

● ستاره‌ای که هزاران فسانه‌ی غم را

به گوش شعرش گفت . (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۹)

نوع این فعل «به گوش گفت» در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل گروهی یا عبارت فعلی، (حرف اضافه+اسم+فعل+شناسه Ø)
- از نظر زمان: گذشته مطلق.
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
- از نظر گذر: گذرا به مفعول و مسند.
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد (ستاره‌ای)
- از نظر وجه/نمود: اخباری
- از نظر مثبت/منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
به گوش گفت	عبارت فعلی	گذشته مطلق	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت	مجازی

• همیشه آرزویم بود بینمش روزی

کنم ز شادی دل، غرق بوسه رویش را . (همانجا)

نوع این فعل «از دل شادی کنم» به شرح زیر است:-

- از نظر ساختمان: فعل گروهی یا عبارت فعلی، (حرف اضافه+اسم+فعل+شناسه)
- از نظر زمان: مضارع التزامی.
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد.
- از نظر گذر: ناگذر.
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهادضمیر پیوسته (م)
- از نظر وجه/نمود: التزامی
- از نظر مثبت/منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: مفهوم مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
از دل شادی کنم	عبارت فعلی	حال التزامی	اول شخص مفرد	ناگذر	معلوم	التزامی	مثبت	مجازی

• اگر گذار من افتد به لاله‌زار وطن

که سال‌هاست به دل دارم آرزویش را . (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۹)

نوع این فعل «به دل دارم» در این قرار است :-

- از نظر ساختمان: فعل گروهی یا عبارت فعلی، (حرف اضافه+اسم+فعل+شناسه)
- از نظر زمان: مضارع التزامی.
- از نظر شخص و عدد: اول شخص مفرد.
- از نظر گذر: گذرا به مفعول.
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد ضمیر پیوسته (م)
- از نظر وجه/نمود: وجه التزامی
- از نظر مثبت یا منفی: مثبت
- از نظر معنی: مفهوم مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود	مثبت/منفی	معنی
به دل دارم	عبارت فعلی	حال التزامی	اول شخص مفرد	گذرا	معلوم	التزامی	مثبت	مجازی

● به تير دشمنان فرزند مغرورت به خاک افتاد. (همان منبع قبلی: ۲۴)

نوع این فعل (به خاک افتاد) به شرح زیر است :-

- از نظر ساختمان: فعل گروهی یا عبارت فعلی، (حرف اضافه+اسم+فعل+شناسه Ø).
- از نظر زمان: گذشته مطلق.
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
- از نظر گذر: گذرا به متمم.
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: (فرزند مغرورت)
- از نظر وجه یا نمود: وجه اخباری
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت
- از نظر معنی: معنی مجازی

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
به خاک افتاد	عبارت فعلی	گذشته مطلق	سوم شخص مفرد	گذرا	معلوم	اخباری مثبت	مجازی

از این مقدار عبارت فعلی که در اشعار شاعر "ژاله اصفهانی" ذکر شده است بسنده می‌کنیم. در بخش بعدی به «فعل پیشوندی مرکب» می‌پردازیم، و آن‌ها را به همان روشی که افعال در مباحث قبلی تحلیل شده اند، بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

«فعل مرکب پیشوندی»

آقایان انوری و کیوی فعل مرکب پیشوندی را در کتاب خود (دستور زبان فارسی ۲) این چنین تعریف می‌کنند: - ((فعل‌های پیشوندی گاهی با کلمه‌ای ترکیب می‌شوند و معنی واحدی را بیان می‌کنند. معنی مزبور نسبت به معنی لغوی کلمه‌های سازنده غالباً مجازی است.)) (انوری و کیوی، ۱۳۹۰: ۲۷) مانند:-

دم در کشید ← (= خاموش شد) سر در آورد ← (= فهمید)
 تن در دارد ← (= تسلیم شد) سر باز زد ← (= خودداری کرد)
 (همانجا)

اما آقای عباسعلی و فای در کتاب او دستور زبان فارسی درباره فعل مزبور می‌نویسند:- ((معمولاً فعل مرکب پیشوندی مفهوم کنایی دارند و برابر با یک فعل مرکب یا ساده‌اند.)) (مفهوم کنایی سه در زیر عبارتند از:- دم در کشید = سکوت کرد یا خاموش شد)، سر در آورد = (متوجه شد یا فهمید) سر باز زد = (سر پیچید یا نافرمانی کرد) (ر.ک وفایی، ۱۳۹۱: ۴۲)

در مطالب بعدی، مجموعه افعال «پیشوندی مرکب» موجود در مجموعه شعر مورد مطالعه، تحقیق و تجزیه خواهیم کرد، تا موضوع برای ما بهتر روشن شود.

● «درخت غنچه برآورد و بلبان مستند

جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند» (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۶۴)

در زیر نوع این فعل (غنچه برآورد) را بیان می‌دهیم :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب پیشوندی، (اسم+پیشوند فعلی+فعل+شناسه).
- از نظر زمان: گذشته مطلق.
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
- از نظر گذر: ناگذر .
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: (درخت) شناسه «د» .
- از نظر وجه/نمود: وجه اخباری.
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت.
- از نظر معنی: مفهوم مجازی.

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
غنچه برآورد	پیشوندی مرکب	ماضی مطلق	سوم شخص مفرد	ناگذر	معلوم	اخباری	مثبت مجازی

● و هر کس دیده بر او باز کرد

از جان پسندیدش (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۸۳)

نوع این فعل (دیده باز کرد) به شرح زیر است :-

- از نظر ساختمان: فعل مرکب پیشوندی، (اسم+پیشوند فعلی+فعل+شناسه Ø).
- از نظر زمان: گذشته مطلق.
- از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
- از نظر گذر: گذرا به مفعول .
- از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «Ø» .
- از نظر وجه/نمود: وجه اخباری.
- از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت.
- از نظر معنی: مفهوم مجازی.

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
دیده	بیشوندی	ماضی	سوم شخص	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت
باز کرد	مرکب	مطلق	مفرد				مجازی

● **فرا سوی افق پرواز می‌کرد ...** (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۲۶)

- در زیر نوع این فعل (پرواز فرا می‌کرد) را بیان می‌دهیم :-
- از نظر ساختمان: فعل مرکب پیشوندی، (اسم+پیشوند فعلی+پیشوند صرفی+فعل+شناسه Ø).
 - از نظر زمان: گذشته استمراری.
 - از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
 - از نظر گذر: گذرا به مسند .
 - از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «Ø» .
 - از نظر وجه/نمود: وجه اخباری.
 - از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت.
 - از نظر معنی: مفهوم مجازی.

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
پرواز فرا می‌کرد	بیشوندی	ماضی	سوم شخص	گذرا	معلوم	اخباری	مثبت
	مرکب	استمراری	مفرد	را			مجازی

● **به فکر رفت فرو**

کیست او ؟ (اصفهانی، ۱۳۶۰: ۱۳۱)

- در زیر نوع این فعل (فکر فرو رفت) در این قرار است :-
- از نظر ساختمان: فعل مرکب پیشوندی، (صفت+پیشوند فعلی+فعل+شناسه Ø).
 - از نظر زمان: گذشته مطلق.
 - از نظر شخص و عدد: سوم شخص مفرد.
 - از نظر گذر: ناگذر .
 - از نظر معلوم و مجهول: معلوم، نهاد: شناسه «Ø» .
 - از نظر وجه/نمود: وجه استفهامی.
 - از نظر مثبت یا منفی: فعل مثبت.
 - از نظر معنی: مفهوم مجازی.

فعل	ساختمان	زمان	شخص	گذر	معلوم و مجهول	وجه/نمود مثبت/منفی	معنی
فکر فرو رفت	بیشوندی مرکب	ماضی مطلق	سوم شخص مفرد	ناگذر	معلوم	استقهامی مثبت	مجازی

از آنچه که آمده است، می بینیم که فعل‌های در این فصل به آنها پرداختیم از نظر تعداد استفاده شده متفاوت بودند، و این را می توان در شکل زیر نشان داد :-

ت	نوع فعل	مقدار	درصد
۱	ساده	۹۸۱	۶۰٫۸۵٪
۲	مرکب	۴۶۲	۲۸٫۶۶٪
۳	پیشوندی	۸۴	۵٫۲۱٪
۴	پیشوندی مرکب	۱۱	۰٫۶۸٪
۵	عبارت فعلی	۷۴	۴٫۵۹٪
مجموع کلی		۱۶۱۲	

جدول: نمودار بسامد افعال و انواع آن در اشعار «ژاله اصفهانی»

به همراه مقدار و درصد هر یک.

نتیجه‌گیری:

در مورد بررسی لایه نحوی متن، این می‌تواند نحوه بیان ایده و محتوای غالب آن متن را نمایان سازد. از آنجا که تجزیه و تحلیل بسامد و فراوانی انواع افعال یکی از شاخه‌های لایه زبانی سبک است که در این مجموعه شعری در قصاید «ژاله اصفهانی» بررسی شده و نتایج زیر بدست آمده است:- از نظر شمار و شخص، اصفهانی افعالی فردی زیادی را استفاده کرده است که می‌توان دلیل این امر را نتیجه شخصیت وی توضیح دهد، زیرا او مدت‌ها دور از وطن خود زندگی می‌کرد. از نظر شخص افعال، او بیشتر از فعل اول شخص و فعل سوم شخص به کار برده است و این‌که استفاده فراوانی از شخص اول به دلیل سبک عاطفی است که ژاله برای بیان احساسات خود در نظم قصاید به کار می‌برد، اما استفاده بسیاری از شخص سوم معلول سبک اظهاری وی در توصیف جهان، دین، پرندگان، گیاهان، تن و روح و... و خواستار آزادی است.

در مورد زمان افعال، فراوانی زمان حال اخباری نشان‌دهنده رابطه مستقیمی میان شاعر و موضوع شعر است که باعث افزایش قطعیت شعرهای وی و نشانگر اطمینان

گوینده به خبر می‌شود. همچنین ملاحظه می‌شود، که از افعال امری به طور کلی مکرر در متن استفاده می‌شود که نشانگر ماهیت شاعر در تحریک توده‌های مردم برای رهایی خود از بردگی و بی‌عدالتی است. از جمله زمان‌های گذشته که بیشتر در این گروه شعری دیده می‌شود، زمان گذشته ساده است که بیشترین میزان اطمینان را در زمان‌های گذشته نشان می‌دهد؛ بسامد بالای این افعال علاوه بر زمان حال اخباری به ما نشان می‌دهد که شاعر از موضع قدرت به همه مسایل مختلف نگاه می‌کند. اما درباره وجه فعلی غالب در اشعار ژاله اصفهانی، وجه اخباری است که نشانگر ارتباط نزدیک این شاعر با وقایع است و همچنین توضیح می‌دهد که بیشتر مسایل مطروح شده در اشعار وی حاصل تجربیات شخصی شاعر است. علاوه بر این، این وجه وقوع یک مطلب را با قطعیت بیان می‌کند و در نتیجه بسامد آن را در متن افزایش می‌دهد؛ این امر را ماهیت ساختمان این افعال و زمان آن‌ها نیز تایید می‌کند. همچنین توجه داریم که اکثر افعال ذکر شده در اشعار ژاله از نوع فعل معلوم و همه آن‌ها به زبان رسمی هستند و هیچ فعلی در زبان عامیانه ذکر نشده است. علاوه بر این، استفاده وی به بسیاری از افعال به صورت مجازی و این میزان فصاحت شاعر را نشان می‌دهد. براساس سبک تجزیه نحوی تاثیرگذار که در این پژوهش استفاده شده است، می‌توان با آثار ادبی مهم و پربار در این سبک و الگوی پرداخت، زیرا شامل چندین لایه معنایی است که توانایی تفسیر متفاوت دارند

منابع و مآخذ:

- احمدی گیوی، حسن و انوری، حسن. (۱۳۹۰). **دستور زبان فارسی ۱**. تهران: فاطمی.
- اصفهانی، ژاله. (۱۳۶۰). **مجموعه شعر: اگر هزار قلم داشتم**. تهران: انتشارات حیدر بابا. چاپخانه: مازگرافیک.
- بهنودی، مسعود. (۱۳۸۶). **یکی از قربانیانش هم ژاله بود**. بخارا: نشریه فرهنگ، شماره ۶۴، ص ۵۹۷ تا ۶۰۵.
- جهرمی، زینب محمد ابراهیم و حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۸۳). **ساختار هسته گروه فعلی در زبان فارسی**. نشریه دانشگده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهر کرمان.
- رهبر، خلیل خطیب. (۱۳۸۱). **دستور زبان فارسی**. تهران: انتشارات مهتاب.
- سپاس، رحمت الله قاسمی. (۱۳۹۴). **بررسی جلوه‌ها و نمادهای پایداری در شعر ژاله اصفهانی**. نشریه ادبیات پایداری، دانشگده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهر کرمان.

- سلطانی خراجی، پریچهر. (۱۳۹۱). *زندگی و آثار ژاله اصفهانی*. تهران: آزاد مهر.
- شعیری، حمید رضا و ایرج مهرگی و اکرم سلطانی. (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. چاپ ششم. انتشارات فاطمی. تهران. به نقل از، المالکی، عقیل عبدالحسین. (۲۰۱۵). *کره‌ی معنایی در شناخت افعال زبان فارسی*. دانشکده زبان‌ها- دانشگاه بغداد.
- عابدی، کامیار. (۱۳۸۰). *بهرغم پنجره‌های بسته «شعر معاصر زنان»*. تهران: کتاب نادر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۴). *دستور امروز*. چاپخانه وحید.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۴۴). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- وفایی، عباسعلی. (۱۳۹۱). *دستور زبان فارسی*. تهران: سمت.